

عبرتها و پیامدهای اجتماعی نهضت حسینی

تاریخ گواهی می‌دهد که پیامبر گرامی اسلام (ص) با هدایت الهی و حمایت علوی توانسته بود امتی تربیت کند که به جای دل دادن به شمشیر و شمردن قبرها: (حتی زرم‌المقابر) و لب به کاسه شراب داشتن، سر به آستان قدس ساییده و چون ملائک لب به ذکر تسبیح، گشوده و شب را به قیام و قعود بگذرانند و روز را در کنار رحمت الهی و به یاد خدا سر کنند.

آگاهی بخشیدن به مسلمانان

تاریخ گواهی می‌دهد که پیامبر گرامی اسلام (ص) با هدایت الهی و حمایت علوی توانسته بود امتی تربیت کند که به جای دل دادن به شمشیر و شمردن قبرها: (حتی زرم‌المقابر) و لب به کاسه شراب داشتن، سر به آستان قدس ساییده و چون ملائک لب به ذکر تسبیح، گشوده و شب را به قیام و قعود بگذرانند و روز را در کنار رحمت الهی و به یاد خدا سر کنند. اما پس از رحلت جانگداز پیامبر گرامی اسلام (ص)، جمعی در سقیفه گرد آمده و سکان هدایت جامعه نبوی را به ناحق در دست گرفته و با کنار گذاشتن عدل الهی و روح و جان مصطفی، علی مرتضی (ع)، کاروان امت اسلامی را از راه کرامت و فضیلت باز داشته و در مسیر جهالت قرار داده و راه را برای حاکمیت امویان هموار نمودند. سرانجام، لباس خلافت به صورت سلطنتی بر تن ناپاک فرزند ابو سفیان پوشاندند و آن زاده کینه و عناد و کفر چنان وضعیتی را در جامعه اسلامی پدید آورد که حق پرستان و ره پویان راه محمدی در اقلیت مطلق قرار گرفته و انسجام و وحدت، جای خود را به از هم گسیختگی و پراکندگی داده بود.

معرفی گروه باطل و احیای اسلام راستین

از پیامدهای مهم نهضت امام حسین (ع) فاش ساختن چهره دروغین و نفاق‌گروه باطل بود. واقعه کربلا چهره واقعی و ماهیت حقیقی حاکمیتی را که به نام اسلام بر مردم حکمرانی می‌کرد، برای افکار عمومی روشن ساخت و تفاوت میان حکومت موروثی و سلطنتی را با اسلام راستین آشکار ساخت.

چنان که مردم بعد از خطبه غزای امام سجاد(ع) در شام دریافتند که ریشه‌های انحراف در جامعه اسلامی از کجا سرچشمه گرفته و چگونه گروهی ناحق، خود را حق جلوه داده و حق را خانه نشین و باطل را بر مرکب حکومت نشانند و حاکمیت جامعه نوپای نبوی را به ناهلان سپردند. آنان نیز علیه فرزندان و اهل بیت پیامبر رحمت کاری کردند که یاد آن، سینه‌ها را داغدار می‌کند اما این وضعیت با شهادت مظلومانه امام حسین دگرگون گشت و مردم دریافتند که سلطنت امویان مبتنی بر اسلام نیست لذا سایر خلفای امویان و عباسیان نتوانستند کارهای نامشروع خود را به نام اسلام انجام داده و رنگ دین بدان بیخشند و افکار عمومی نیز واقعیت را شناخته و اعمال و رفتار آنان را مربوط به اسلام نمی‌دانستند..

احیای ارزش‌های اسلامی و انسانی

یکی از آثار اساسی نهضت امام، احیای ارزش‌های اسلامی، انسانی و اخلاقی است که نیاز اساسی هر جامعه می‌باشد. ارزش‌هایی که تأثیر گذار در فرهنگ یک جامعه است و گروه‌های اجتماعی بدون آنها دچار اختلال در گفتار و رفتار اجتماعی می‌گردند، چون ارزش‌های دینی با ثبات‌تر و غیر قابل تغییر و مبتنی بر وحی هستند و در ذات خدا و اراده‌اش تغییر و تبدیل راه ندارد. اما ارزش‌های اجتماعی از ثبات و دوام کافی برخوردار نیستند، زیرا متکی بر مقبولیت عامه و پذیرش غالب افراد جامعه می‌باشند و روشن است که با تغییر و خواسته‌های افراد، ارزشی بودن خود را از دست داده و ارزش‌های دیگر جایگزین آنها می‌گردند. از این رو، این گونه ارزش‌ها معمولاً بی ثباتند. (البته می‌دانیم که دینی بودن ارزش‌ها منافاتی با اجتماعی بودن آن ندارد) بدین ترتیب ارزش‌های دینی برای جوامع انسانی امری حیاتی و ضروری است. لذا بدیهی است که احیای این ارزش‌ها موجب بالندگی جوامع و نشاط زندگی اجتماعی افراد خواهد بود. بی تردید یکی از پیامدهای مهم و برجسته نهضت حسینی احیای ارزش‌های اسلامی و انسانی است. این حادثه عظیم توانست جامعه دنیوی را از آن سستی‌ای که پس از رحلت پیامبر پدید آمده بود، نجات دهد.

عبرتهای اخلاقی قیام عاشورا

-پایداری به عهد و وعده

درارشاد مفید آمده است: «قال الحسین(ع) اني لا اعلم اصحابا اوفي و لا خيراً من اصحاب من ياراني باوفاً از یاران خود سراغ ندارم و بهتر از ایشان نمی‌دانم.

امام حسین(ع) در مقام مدح اصحاب خود، صفت وفا را بیان می‌کند که خود درس بزرگی برای همه انسان‌ها است. پیمان شکنی یک نوع بی بندوباری است که آدمی را بی اعتبار و بی ارزش جلوه می‌دهد. جامعه به پیمان شکنان اعتماد ندارد. امام حسین(ع) در یکی از موافق عاشورا سخت در بی وفایی مردم کوفه اظهار ناراحتی می‌کند و آنها را نکوهش می‌کند جامعه بداند که عهد شکنی چه سرنوشت سیاهی را در پی دارد، در حقیقت لعن و نفرین امام حسین(ع) اختصاص به دسته خاصی ندارد، بلکه نفرتی است از هر انسان بی‌وفا و کارشکن.

-سخاوت

دومین درسی که از نهضت عاشورا می‌توان گرفت درس جود و سخاوت است. امام حسین(ع) مرد با جود و کرم بود. آن حضرت در برخورد اول، آقایی و کرمش را نشان داد.

شیخ مفید می‌گوید: در نزدیکی کربلا حرّ با هزار سوار در گرمای طاقت فرسای نیمه روز در برابر حسین(ع) ایستاد. امام حسین با یارانش عمامه‌ها بر سر بسته شمشیرها را به گردن‌آویزان نموده بودند. آن حضرت که (منبع جود کرم بود) آثار تشنگی در لشکر حرّ دید و به جوانان

خود فرمود: این مردم را آب دهید و سیرابشان کنید و دهان اسبانشان را نیز تر کنید، پس چنان کردند و به ترتیب با کیفیت خاصی همه را آب دادند.

-استقامت و صبر

در لُهوَف آمده است: امام حسین(ع) هنگام حرکت از مکه معظمه، در بین جمعیت ایستاد و فرمود سپاس از آن خداوند است آنچه را که بخواهد انجام خواهد شد و هیچ قوه و نیرویی جز به وسیله خدا نیست، و درود خدا بر رسول او. مرگ بر همه انسانها لازم شده، همچون گردن بند بر گردن دختر جوان و چه بسیار مرا به دیدن گذشتگان خود مشتاق نموده، مانند اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف و برای من برگزیده شده زمینی که در آن کشته خواهم شد که به آن خواهم رسید؛ گویا می بینم که گرگهای بیابان میان نوایس و کربلا، اعضای بدنم را پاره پاره کرده تا که شکمهای گرسنه خود را سیر نموده و انبانهای خالی خود را پر نمایند. از روزی که با قلم قدرت نوشته شده، مفرّی نیست. خشنودی خدا خشنودی ما اهل بیت است. بر بلای او شکیباییم و اوست که بر صبرمان پاداش می دهد، هرگز قرابت از رسول خدا جدا نمی شود، او که به منزله بود جامه به آن حضرت پیوسته است.

بلکه همه در بهشت در حضور او خواهند بود، زیرا آنها نور چشم پیامبر و وسیله تحقق یافتن و عینیت پیدا کردن وعده های اویند. آگاه باشید هر که در راه ما آماده جانبازی است و از شهادت و ملاقات خداوند خشنود است پس باید که با ما کوچ کند، چون- اگر خدا بخواهد - صبح فردا من کوچ خواهم کرد.»:

علاقه به نماز و نیایش و به پا داشتن فرایض دینی

طبری می نویسد: امام حسین(ع) از سپاه کوفه برای ادای نماز و دعا یک شب رامهلت خواست بعد از مکالمه حضرت ابی الفضل(ع) با شمر در عصر تاسوعا و بازگو کردن جریان محضرمبارک برادر عزیزش حسین(ع) حضرت فرمود: به سویی آنها برگرد و امشب را تا صبح مهلت بگیر، امید آن که ما برای خشنودی خدا امشب را نماز گزارده و او را بخوانیم و طلب آمرزش کنیم. به راستی که من نماز برای خدا و تلاوت کتاب او و دعا و استغفار زیاد را دوست دارم.».

-نکوهش از هواهای نفس

امام حسین(ع) در یکی از خطبه ها اشاره می کند که مردم دچار متابعت هوای نفس شدند و شیطان بر آنها غالب شد و دین لقلقه زبان بیش نیست: «#«بحوطونه مادرت معایشهم». به هر سو که نفع خود را ببینند به همان سو زبان را می گرداند و قدم برمی دارند.

امام در ملاقات خصوصی با پسر سعد به این مطلب صریحاً گوشزد نمود.

در پایان وداع به حضرت امام زین العابدین(ع) می فرماید :

«#«استخوذ علیهم الشیطان فانسأهم ذکر الله؛ اینها از ذکر خدا غافل شدند و در بست در اختیار شیطان و هوای نفس قرار گرفتند».

آری، این همه بیچارگی و سیه روزی که دامن گیر دولت های وقت، مخصوصاً امریکای جنایت کار شده همه به سبب حکومت هوای نفس بر آنان است که در راه رسیدن به آن از هیچ جنایتی پروا ندارند. میلیون ها مردم بی گناه را فدای خواهش های نفسی خود می کنند.

امام حسین(ع) در وصیت نامه خود به محمد بن حنیفه فرمود:

«#«من به هوای نفس و رسیدن به مقام و جاه خارج نشدم».

جانها فدای حسینی که با قیام خود دین خدا را یاری کرد و مردم را به اخلاق فاضله دعوت نمود. بنی امیه را به جهان اسلام شناساند.

جواد نوری زاده کارشناس فرهنگی

اداره تبلیغات اسلامی شهرستان بناب